

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۵

فصلنامه رسالت مدیریت دولتی

سال هشتم / شماره بیست و ششم / تابستان ۱۳۹۶

طراحی مدل سه بعدی اجرای حاکمیتی خط‌مشی‌های عمومی

مهتاب محمدی^۱ - سید مهدی الوانی^۲ - غلامرضا معمارزاده طهران^۳ - قاسم انصاری رنانی^۴

چکیده

زمینه: اجرای ایده آل خط‌مشی‌ها حاصل وجود هماهنگی و تناسب بین شکل حاکمیت دولت و خط‌مشی است. اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری نیاز به ایجاد بستر و اصلاحات ساختاری هر بخش دارد. در نتیجه شکل حاکمیت دولتی در کنار شیوه اجرای خط‌مشی در هر یک از بخشهای قانون باید کاملاً روشن و واضح مشخص و تعریف شود، تا بتوانیم بهترین اجرا را از قانون مدیریت خدمات کشوری داشته باشیم.

هدف: ارائه مدلی جامع که بتواند شکل اجرای قانون خدمات کشوری را سامان دهد، تا از این طریق بتوان قانون مدیریت خدمات کشوری را به شکل موثرتری اجرا نمود.

روش‌ها: در این پژوهش در سه سطح به بررسی و آنالیز داده‌ها پرداخته شده، در سطح اول تحلیل توصیفی داده‌ها صورت گرفته است. در سطح دوم نیز به بررسی تحلیل استنباطی داده‌ها اقدام گردید و در نهایت به منظور ارائه مدل اصلی با بهره‌گیری از منطق فازی مدل نهایی و سه بعدی شکل گرفته است.

یافته‌ها: در این پژوهش یک مدل ارائه گردیده است که به تعیین مناسب‌ترین نوع حاکمیت در هر سه حوزه (جذب و استخدام، نگهداری و آموزش) خط‌مشی قانون خدمات کشوری پرداخته است.

نتیجه‌گیری: در نظام جذب و استخدام بهتر است دولت از قدرت و نفوذ خود برای بهینه‌تر شدن و قانونمند شدن این حوزه بهره‌بردارد. در حوزه آموزش و بهسازی، دولت حاکمیت خود را از طریق بخش خصوصی تحقق بخشد. در حوزه نگهداری لازم است دولت در این زمینه به ائتلافات سازمانی و گروه‌های شکل گرفته سازمانی ذی نفوذ اعتماد کرده و تنها از طریق ترغیب آنها، شکل حاکمیتی خود را حفظ نماید.

واژگان کلیدی: اجرا، خط‌مشی‌های منابع انسانی^۲، حاکمیت دولت^۳، قانون خدمات کشوری، روش فازی

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی (گرایش منابع انسانی)، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران، mahtab_mohamadi59@yahoo.com

^۲ استاد تمام و عضو هیات علمی و ریاست دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران، (مسئول مکاتبات)

research.m@qiau.ac.ir

^۳ دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین ایران، gmemar@gmail.com

^۴ دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، Ansari.ghasem@gmail.com

مقدمه

خطمشی‌های عمومی جهت گیری‌های کلی هستند که چگونگی عمل سازمان‌ها و موسسات دولتی را در آینده مشخص می‌سازند. خطمشی‌ها معمولاً برای مقابله با یک مشکل و مساله عمومی و به منظور حل آن پدید می‌آیند و اغلب به منزله چرخه‌ای تلقی می‌شوند که در آن مشکلات ابتدا به عنوان یک مساله مورد توجه قرار می‌گیرند، دوره‌های مختلف عمل بررسی می‌شوند، خطمشی‌ها تعیین می‌گردد، توسط کارکنان اجرا و ارزیابی شده و تغییر می‌یابند و سر انجام با موفقیت یا شکست پایان می‌یابند. (Barrett & Fudge, 1981, p75)

خطمشی‌های عمومی ساز و کارهای حکمرانی ملی نظام‌های سیاسی هستند. دولت‌ها اراده ملی را در پرتو خطمشی‌های عمومی متجلی می‌کنند. اگر نسخه تدوینی این خطمشی‌ها تنها با تمرکز بر مسائل و مشکلات، ملاحظات علمی و سیاسی شکل گرفته باشد، کماکان دردهای ملی را دوا نخواهد کرد، مگر اینکه مرحله اجرای خود را با موفقیت طی کند. برقراری ارتباط منطقی و مناسب بین تدوین کنندگان و مجریان خطمشی یکی از راه‌های توسعه کشورها محسوب می‌شود و باعث خواهد شد نظریات کارکنان در سطح سازمان‌ها و دیدگاه‌های مردم در سطح جامعه به نحوی در خطمشی گذاری و تدوین قوانین دخالت داده شود. توجه به اجرا در فرآیند خطمشی گذاری تحقق هدف‌های نظام را تسریع می‌کند و منجر به تحقق دموکراسی در جامعه می‌شود. (رزاقی، ۱۳۷۹، ص ۵۱)

اجرای خطمشی عمومی سنگ زیرین اداره عمومی محسوب می‌شود. امروزه بدون توجه به جنبه‌های اجرایی، خطمشی‌ای تهیه و تصویب نمی‌شود. تاثیر اجرا روی شکل گیری خطمشی اجتناب ناپذیر دانسته می‌شود و آنرا جزء لاینفک و مکمل خطمشی عمومی محسوب می‌کنند. (رستمی، ۱۳۷۹، ص ۵۳) در اجرا اغلب به توسعه یک خطمشی یا بیان و گسترش بیشتر

آن پرداخته می‌شود و در یک مفهوم کلی، اجرا، به معنی به کار گیری قانون می‌باشد که طرح‌ها و برنامه‌ها به مرحله عمل در می‌آیند. (اعرابی، رزمی، ۱۳۸۲، ص ۳)

در واقع مرحله اجرای خطمشی عمومی یکی از بغرنج‌ترین مراحل فرایند خطمشی گذاری عمومی است. در حقیقت اثرات و پیامدهای یک خطمشی به واسطه اجرای آن به وقوع می‌پیوندد و اجرای نامناسب خطمشی امیدها را برای رسیدن به اثرات مورد انتظار خطمشی تدوین شده، از بین می‌برند (ثقفی، ۱۳۸۷، ص ۱۵)

از سوی دیگر، عصر حاضر که عصر فرانوین نام گرفته، الزام‌ها و ضرورت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خاصی را شکل داده که به موجب آن، بین دولت و ملت شکل تازه‌ای از روابط بین وجود آمده است. در شرایط جدید ضمن آن که عمر دولت رفاه به سر آمده و دولت بسیاری از وظایف و نقش‌های متداول سنتی خود را به بخشهای دیگر جامعه و شهروندان تفویض کرده و خود به ایفای نقش مدیریتی پرداخته است، روابط بین سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز تغییر کرده و توسعه یافته است.

در روابط جدید، دولت، چهارچوب حقوقی و محدوده عمل سیاسی را تعیین می‌کند، بخش خصوصی تولید ثروت کرده و ایجاد اشتغال می‌کند و جامعه مدنی از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ارتباط متقابل میان جامعه و سیاست را تسهیل می‌کند. از آنجا که هر یک از این سه حوزه، ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، شکل حاکمیتی صحیح بویژه در ارتباط با الزام به توسعه پایدار مانند پلی، ارتباط سازنده میان این حوزه‌ها را فراهم می‌کند. شکل حاکمیت به رابطه تعاملی میان سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی می‌انديشد و سازوکارهای استفاده حداکثری از توان بالفعل و بالقوه

این سه بخش را پیشنهاد می‌کند. بی تردید نقش نظام اداری به عنوان بازوی اجرایی دولت در هر کشوری برای ایجاد شکل صحیح حاکمیتی بسیار مؤثر و سازنده است. بدیهی است نظام اداری نیز چنانچه بخواهد در تحقق اهداف فوق موفق باشد بایستی چهارچوبها و بسترهای کافی برای این امر در اختیار داشته باشد. زمینه سازی برای چنین امری مستلزم وجود قواعد و مقرراتی است که مبتنی بر اصول و معیارهای منطبق با نیازهای جامعه امروزی باشد از جمله این ابزارها وضع قانون جامع در نظام حقوقی هر کشوری است که در آن اهداف، حقوق و تکالیف، چارچوبها و نحوه دسترسی به اهداف کلان نظام سیاسی و اجتماعی طراحی و تدوین شده باشد.

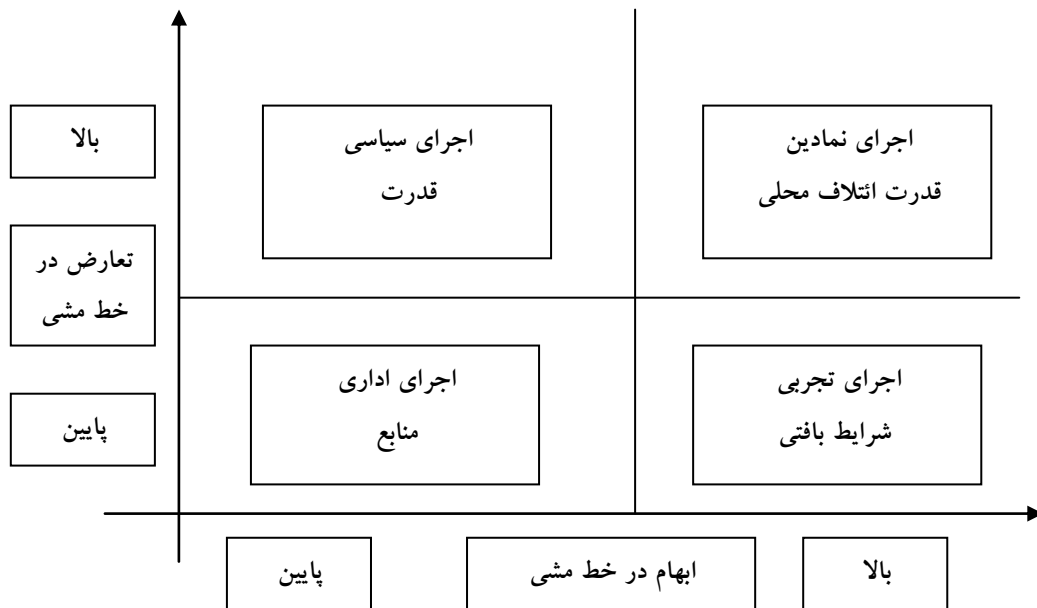
قانون مدیریت خدمات کشوری به عنوان مهمترین سند نظام اداری، راهبردها و الزاماتی را در خود جای داده که در خور توجه و بررسی خاص است، بویژه که این راهبردها و الزامات بیانگر اصول و معیارهایی هستند که در دنیای امروز اهمیت فوق العاده داشته و همه کشورها سعی در پیاده سازی آنها در بسترهای مختلف اجتماعی خود دارند. اما این قانون زمانی می‌تواند مثر ثمر باشد که شکل صحیح حاکمیتی آن در هر یک از بخشها به دقت مشخص گردیده باشد. همانطور که اشاره شد الگوهای صحیح حاکمیتی مبتنی بر تعامل سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. در این کار تحقیقی هدف آن است که مشخص کنیم با توجه به ساختار قانون و بستر اجرایی قانون خدمات کشوری، کدامیک از حوزه‌های حاکمیتی باید در فرایند اجرا اثرگذار بوده و بهترین شکل حاکمیتی اجرای خط‌مشی قانون مدیریت خدمات کشوری چیست؟ در نتیجه در صدد هستیم که با ارائه یک مدل اقتضایی این خلا را پوشش داده و مشکلات اجرای خط‌مشی‌های منابع انسانی مورد بررسی قرار دهیم.

در این مطالعه شیوه اجرای صحیح خط‌مشی قانون خدمات کشوری و شکل حاکمیتی آن را در سه حوزه جذب و استخدام، نگهداری و آموزش مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای رسیدن به بهترین خروجی از قانون خدمات مدیریت کشوری، نیازمند شناخت بهترین روش اجرایی در هر یک از حوزه‌ها و تدوین شکل حاکمیتی مناسب در اجرای خط‌مشی مورد نظر هستیم. بدین معنا که هر یک از بخشهای جذب و استخدام، نگهداری و آموزش توسط کدامیک از حوزه‌های دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید اجرا شود.

در حوزه تئوری‌های اجرا، مبنای کار ماتریس ابهام-تضاد متلند که یک مدل اقتضایی را ارائه می‌دهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تئوری اقتضایی عنوان می‌کند که بیش از یک فرایند اجرای خط‌مشی وجود دارد اما برای اجرای ایده ال تنها یک روش را می‌توان مورد استفاده قرار داد. از سوی دیگر، باید توجه کرد که اجرای صحیح خط‌مشی‌ها مستلزم وجود شرایط ساختاری و تشکیلات سیاسی، حقوقی و اداری مناسبی است، که تحت عنوان حاکمیت از آن یاد می‌کنیم.

متلند (۱۹۹۵) مدلی را برای اجرا بر اساس دو متغیر «تضاد سیاسی» و «ابهام در سیاست» ارائه کرده است که چهار نوع شیوه اجرا از آن حاصل می‌شود. مدل اقتضایی چهار فرایند اجرای ایده آل برای اجرای خط‌مشی ارائه می‌دهد. این روشهای ایده آل بر مبنای کار متلند (R.E. Matland) و ماتریس ابهام-تضاد وی می‌باشد. (فرایندهای اجرای خط‌مشی و چهار فرایند اجرای ایده آل)

متلند (۱۹۹۵) مدل خود را برای اجرا بر اساس دو متغیر «تضاد سیاسی» و «ابهام در سیاست» ارائه کرده است، که چهار نوع شیوه اجرا از آن حاصل می‌شود. جدول ذیل مدل مذکور و چهار شیوه اجرا را نشان می‌دهد.



شکل (۱): ماتریس اقتضایی متلند (R.E. Matland, 1995, p160)

باشند. متأسفانه متلند بیش از این اشاره‌ای به این مورد نکرده است. مثال او در مورد «اقدام اشتراکی»، برنامه‌هایی هستند که منجر به جلب رضایت و برآورده ساختن خواسته‌های بازیگران سطوح پائین و بالا نشده‌اند. در مدل متلند، تضاد و ابهام بدین صورت تعریف می‌شوند:

متلند ابهام خط‌مشی و تضاد خط‌مشی را متغیرهای مرکزی می‌داند. ابهام خط‌مشی اشاره به میزان شفافیت خط‌مشی تنظیم شده، دارد. ابهام در خط‌مشی دو شکل دارد: ابهام در اهداف، ابهام در ابزار. ابهام در هدف زمانی شکل می‌گیرد که درک مناسب از مسئله شکل نگرفته و وابستگی درونی بین عوامل و عدم سازگاری بین اهداف وجود داشته باشد. زمانی که هدف ابهام دارد همه فکر می‌کنند که خط‌مشی مطرح شده به نفع آن هاست، اما اگر اهداف روشن باشد، عده‌ای که از آن منفعتی نمی‌برند با دیگران تضاد پیدا می‌کنند. ابهام در ابزار نیز به روش‌های گوناگون ظهور می‌کند، در جایی که تکنولوژی برای اجرای خط‌مشی نیاز است و یا در مورد نقش سازمان‌های مختلف در اجرا در محیط پیچیدگی وجود دارد، اینکه کدام ابزار چگونه مورد

اجرای اداری نیاز به توضیح چندانی ندارد. وی اجرای اداری را موقعیتی می‌داند که در آن، شرایط لازم برای تصمیم‌گیری منطقی وجود دارد و این همان شرایط ایده‌آل برای بکارگیری مدل بالا به پائین است. او در مورد اجرای سیاسی می‌گوید: «پیامدهای اجرا توسط صاحبان قدرت تعیین می‌شوند». در این شرایط، نظریاتی که بر تعاملات و بازخور خط‌مشی/اجرا تأکید دارند کاربردی هستند، اما نظریاتی که بر تصمیم‌گیری در سطح خرد تأکید دارند کمتر اینگونه‌اند. در اجرای تجربی، شرایط زمینه‌ای که به معنای تأثیرات محیطی بر پیامدها هستند مهم می‌نمایند: تغییر و تحولات در برنامه به این دلیل پیش می‌آیند که سازمان‌های مختلف، خط‌مشی‌های مختلف را در محیط‌های مختلف اجرا می‌کنند. در اینجا مسائل مربوط به بازخور و یادگیری باید مدّ توجه قرار گیرند و همچنین رویکردهای پائین به بالا نیز برای تحلیل، کاربردی‌تر خواهند بود. اجرای نمادین شامل تضاد و ابهام بالا است. قدرتی که ائتلاف‌ها دارند، به خصوص در سطح محلی، تعیین کننده پیامدها خواهند بود. شاید ارزش‌های حرفه‌ای و تابعیت و وفاداری در اینجا مهم

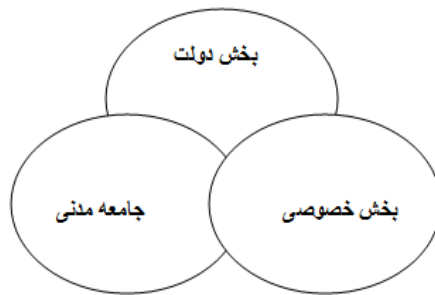
استفاده قرار بگیرند، و استفاده از آن‌ها چه اثراتی دارد، ابهام وجود دارد. (هیل، 1997: p380)

تضاد خط‌مشی نشان دهنده‌ی میزان کشمکش‌ی است که می‌توان در مرحله‌ی شکل‌گیری خط‌مشی شاهد آن بود و بنابراین می‌توان انتظار داشت که در مرحله‌ی اجرا نیز همچنان شاهد وجود تضاد باشیم. زمانی تضاد بوجود می‌آید که وابستگی متقابل بین طرفین در گیر در خط‌مشی، ناسازگاری بین اهداف و عناصر نا همگون در تعاملات وجود داشته باشد. هم‌چنین زمانی که بیش از یک سازمان یک سیاست را بصورت مستقیم مرتبط با منافع خود می‌بینند و زمانی که سازمان‌ها دیدگاه‌های ناهماهنگی دارند، شکل می‌گیرد. این مسائل می‌تواند در مورد نحوه شکل‌گیری خط‌مشی و یا شیوه اجرای آن و چگونگی شکل‌گیری آنها، بوجود آیند. به عنوان مثال، ممکن است هدف مورد توافق کاهش آلودگی باشد، با این وجود، یک مهندس، یک اقتصاددان، و یک وکیل شیوه‌های بسیار مختلفی را برای انجام سیاست‌های مورد توافق ترجیح می‌دهند. شدت تضاد با افزایش ناسازگاری نگرانی‌ها و افزایش مخاطرات مرتبط با هر طرف افزایش می‌یابد. هرچه تصمیم مهم‌تر باشد، دیدگاه‌های متناقض بیشتر خواهد بود. (متلند، 1995: ۱۶۵)

در همین راستا باید توجه داشت که تحقق چنین شکل‌هایی از اجرا و معیارهایی مستلزم شرایط ساختاری و تشکیلات سیاسی، حقوقی و اداری مناسبی است تا بستر اجرا و اعمال آنها را فراهم سازد. چرا که تحقق مطلوب و مؤثر اصلاحات ساختاری، وابسته به شکل حاکمیتی می‌باشد و باید اذعان داشت که حکمرانی مطلوب قابلیت اجرا در تمامی سطوح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری و استخدامی را داراست و محدود نمودن آن به یک بخش از ارکان یک کشور، نمی‌تواند کارساز و مؤثر واقع شده و زمینه

توسعه همه جانبه را فراهم سازد. (قلی پور، ۱۳۸۵: ۱۱۲) حکمرانی به معنای شبکه‌هایی است که پیوند دهنده جامعه مدنی با دولت و بخش خصوصی است. مفهوم حکمرانی گسترده‌تر از حکومت است و به معنای برآیند همبستگی و تعامل اقدامات و رفتارهای بازیگران بخش‌های مختلف جامعه است. (آقازاده، عسگری، شاهی، فرهمند، ۲۹: ۱۳۹۴) نظام اداری و استخدامی یک کشور یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین بخش‌های دولت می‌باشد که اعمال حاکمیت صحیح در آن بسیار حائز اهمیت می‌باشد. این بخش به دلیل ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی که با مردم دارد بسیار حائز اهمیت می‌باشد و اعمال شکل صحیح حاکمیتی در آن می‌توان منجر به ایجاد روحیه نشاط و امید در مردم و پیشرفت محسوس و همه جانبه جامعه گردد. (قلی پور، شریف زاده، ۱۰۹: ۱۳۸۲)

در جهان متحول امروز، نقش دولت نیز متحول و مسولیت آن متفاوت خواهد بود. دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنان بایستی با افزایش قابلیت‌های خود از طریق باز دمیدن نیروی تازه در نهادهای عمومی توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند. این مهم نیازمند الگوهای جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده نمود، تا بتوان بازدهی خط‌مشی‌های عمومی را حداکثر ساخت. در نتیجه در زمینه شکل حاکمیتی دولت و نقش آن، بنیاد نظری این تحقیق بر نظریه تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی، بنیان گذاری شده است. حکمرانی فرایندی است که در آن سه بخش دولت، بخش خصوصی و بخش مدنی با شراکت^۴ در عوض مشارکت^۵ به فعالیت مشغول هستند در الگوی شماره ۳، ۲ الگوی فعالیت تعاملی این سه بخش به نمایش گذارده شده است.



شکل (۲): الگوی تعاملی سه بخش دولت، خصوصی و مدنی (UNDP، ۲۰۰۰)
(نقش آفرینان حاکمیتی)

اقدام هنجاری که به صورت ضمنی از اصول حاکمیت قانون و دموکراسی و تا اندازه‌ای از اصول وضعیت رفاه برداشت می‌شود، پاسخ این سوال که «چطور عمل کنیم؟» برای متخصصان حوزه مدیریت دولتی از بافتی به بافت دیگر متفاوت می‌باشد. بنابراین، شاید پارادایم‌های توصیفی که توسط پیره و پیترز معرفی شده اند در این زمینه مفید فایده باشند؛ با استفاده از واژگان لیندبلوم، می‌تواند میان سه حالت حاکمیت متمایز قائل شد: حاکمیت با قدرت (اختیار)، تفویض به بخش خصوصی و با ترغیب و ایجاد جامعه مدنی.

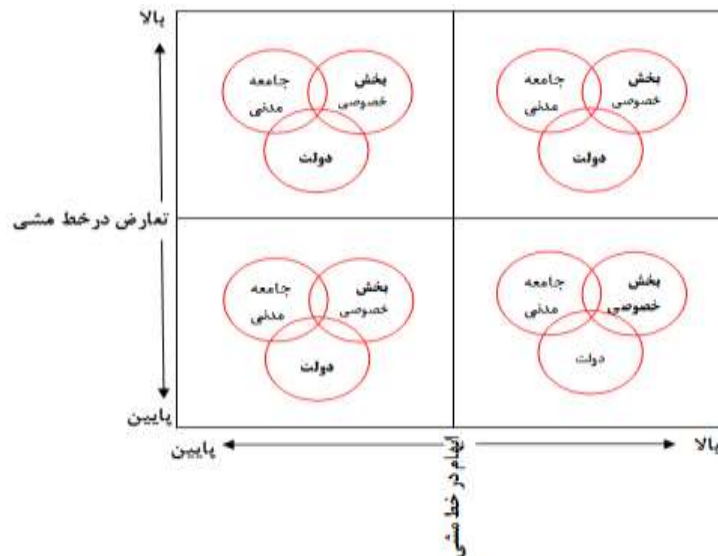
بنابراین داشتن دولت خوب، بخش خصوصی خوب و جامعه مدنی خوب برای رسیدن به شکل مناسب حاکمیت اجتناب ناپذیر خواهد بود (Streeten, 1996) در زیر حضور این نقش آفرینان حاکمیتی در مدل پایه متلند دیده می‌شود که در حقیقت تلفیقی از اجرا و شکل حاکمیتی می‌باشد.

سوال تحقیق

اجرای ایده آل خط‌مشی‌ها حاصل وجود هماهنگی و تناسب بین شکل حاکمیت دولت و خط‌مشی است. همانطور که اشاره شد، در این کار پژوهشی از ابهام و تضاد به عنوان مولفه‌های تعریف کننده خط‌مشی استفاده می‌شود. از سوی دیگر در حالی که ابهام و تضاد برای توصیف خط‌مشی استفاده می‌شود، در واقع ابهام و تضاد به عنوان دو متغیر محوری و اصلی در ماتریس متلند شکل و شیوه اجرای خط‌مشی را مشخص

به منظور دستیابی به این شراکت نقش تعاملی هر یک از سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی الزامی است. زیرا شکل مناسب حاکمیت نتیجه تعامل همه قوا و بخش‌های کشور است. عمل تعاملی نیازمند خوب عمل کردن هر یک از بخش هاست. برای مثال در هر جامعه دولت خوب برای پیاده کردن بصیرت‌های خود نیازمند تصویب قوانینی است که «مشروعیت» و «اقتدار» را برای ساخت آفرینی و ظرفیت سازی های ۶ خود تنفیذ کند از طرف دیگر دولت خوب برای ایجاد «امنیت و استقرار در نظام حقوقی» نیازمند حاکمیت قانون ۷ است بنابراین الزام به تعامل همه قوای رسمی یک کشور الزامی است (تصدیقی، ۱۳۸۳، ص ۳)

در نتیجه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی هر یک وظایفی دارند، که این وظایف باید به درستی شناخته و تفکیک شود و سپس بین آن‌ها تعاملاتی صورت گیرد. این تعاملات باید به درستی انجام شود تا اینکه جامعه از بعد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رو به شکوفایی برود. در غیر اینصورت در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خلل ایجاد می‌شود. بنابراین محور اصلی اصلاحات و برنامه‌های توسعه بر تعامل و تعادل این سه حوزه اصلی جامعه می‌باشد. با توجه به تعریف وسیع این مفهوم، پارادایم حاکمیت واقعی نیازمند یک حالت حاکمیت نیست، بلکه چندین حالت را می‌طلبد که هر کدام آنها دارای تناسب تحلیلی برابر باشند. با توجه به ضرورت



شکل (۳): نقش آفرینان حاکمیتی در مدل متلند

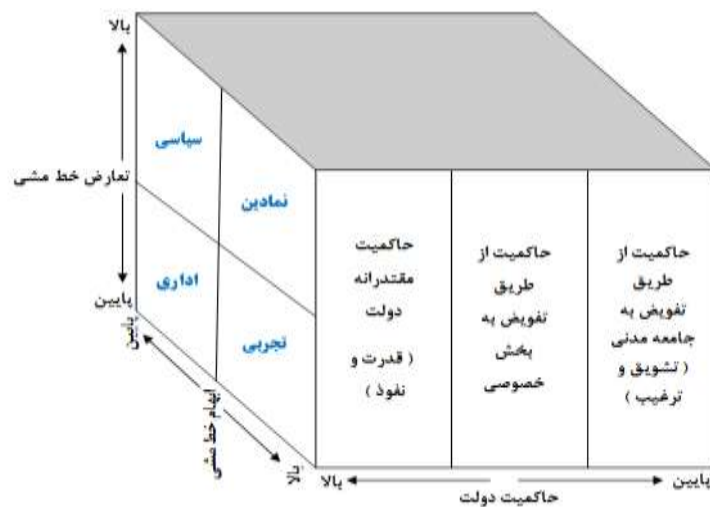
نظریه هیل وهوپ، نظریه اجرای خط‌مشی متلند را با یکدیگر هماهنگ می‌کند و از آن برای اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری استفاده می‌کند. این شبکه هم دارنده ساختار حاکمیتی و هم خط‌مشی است تا شیوه اجرای ایده آل خط‌مشی را تعیین نماید.

با توجه به توضیحاتی که در بالا ارائه شد سوالات تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شود:

اول، هر یک از بخشهای جذب و استخدام، نگهداری و آموزش و بهسازی قانون خدمات کشوری

می‌کنند. به این ترتیب که اولاً میزان ابهام و تضاد هر یک از حوزه‌های جذب، آموزش و بهسازی و نگهداری در خط‌مشی قانون خدمات کشوری اندازه‌گیری می‌شود، تا شکل اجرای صحیح این خط‌مشی را از طریق جایگذاری آن در ماتریس متلند به دست آوریم. سپس از طریق بررسی شکل حاکمیت به دنبال ارائه مدلی هستیم که از طریق آن بتوان بهترین و متناسب‌ترین شکل حاکمیت را در هر یک از بخشهای جذب، آموزش و بهسازی و نگهداری را نشان دهیم. در نتیجه در اینجا یک شبکه وابسته ایجاد می‌شود که

فصلنامه رسالت مدیریت دولتی



شکل (۴): مدل مفهومی تحقیق

در حوزه اجرا قانون خدمات کشوری کمک گرفته شد. این مدیران از ۱۱ ارگان دولتی انتخاب شدند و حداقل دارای ۵ سال سابقه کاری در زمینه مدیریت منابع انسانی در ارگان‌های دولتی بودند.

در نتیجه جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران ارشد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (به منظور تدوین قواعد مدل پژوهش بر اساس منطق فازی) به تعداد (۵ خبره) و همچنین مدیران منابع انسانی سازمان‌های دولتی (۳۰ مدیر) می‌باشد. با توجه به محدود بودن حجم جامعه آماری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری به شیوه تمام شماری استفاده شد. داده‌های اولیه این پژوهش از طریق پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مبانی نظری گردآوری گردید. در این تحقیق از دو پرسشنامه استفاده گردیده است. پرسشنامه شماره یک با توجه به ادبیات و پیشینه موضوع در حوزه اجرا، میزان ابهام و تضاد خط‌مشی قانون خدمات کشوری را در هر یک از بخش‌های جذب و استخدام، نگهداری و آموزش و می‌سنجد.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه شماره ۱، نسبت به دریافت نظرات خبرگان استفاده شد و روایی آن مورد تایید قرار گرفت. همچنین پایایی ابزار نیز، از طریق برآورد ضریب آلفای کرونباخ عمل شده است که در زیر نتایج را به شکل خلاصه می‌بینیم:

در کدام یک از ۴ حوزه ماتریس متلند قرار می‌گیرد؟ بدین معنی که این مواد قانونی در دو بعد تضاد و ابهام مورد بررسی قرار گرفته تا نوع اجرا در آن مشخص شود. سپس در سوال دوم شکل حاکمیت دولت را در اجرای این مواد قانونی مشخص می‌کنیم، در واقع تعیین می‌کنیم که دولت برای اجرای این مواد مستقیماً عمل نماید یا اجرای آن را به بخش خصوصی واگذار کند و یا به شکل جامعه مدنی از طریق ترغیب و تشویق عمل نماید.

روش تحقیق

در این پژوهش، جامعه آماری در مرحله مدلسازی، آن دسته از خبرگانی هستند که دست اندر کار، قانون خدمات کشوری و مجری اصلی در نهاد ریاست جمهوری برای اجرای این قانون هستند و نظرات همه آنها به صورت مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. این مصاحبه‌ها در طی چند جلسه با ۲۰ تن از مدیران ارشد سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور در تهران صورت گرفته که تعدادی از سوالات در جدول ۳ مورد اشاره قرار گرفته است.

در بخش توصیفی برای درک میزان ابهام و تضاد قانون خدمات کشوری در هر یک از حوزه‌های جذب و استخدام، نگهداری و آموزش از مدیران منابع انسانی

جدول (۱): تعیین پایایی پرسشنامه شماره ۱

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سواها	ابعاد
۰/۷۳۴	۶	سنجش ابعاد تضاد در حوزه جذب و استخدام
	۱۱	سنجش ابعاد ابهام در حوزه جذب و استخدام
۰/۸۴۴	۶	سنجش ابعاد تضاد در حوزه نگهداری
	۱۱	سنجش ابعاد ابهام در حوزه نگهداری
۰/۷۶۳	۶	سنجش ابعاد تضاد در حوزه آموزش و بهسازی
	۱۱	سنجش ابعاد ابهام در حوزه آموزش و بهسازی

دکتر سید مهدی الوانی
دکتر غلامرضا معمارزاده
دکتر مهتاب محمدی

ابهام در قانون مدیریت خدمات کشوری در بازه عددی ۱ الی ۵ بالاتر از متوسط می‌باشد (۴/۵۷). در بخش تضاد در حوزه آموزش نیز، همین شرایط قابل مشاهده است (۴/۲۹). در این بخش نیز بررسی انحراف از معیار داده‌ها با توجه به مقادیر کمیته و بیشینه داده‌ها نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها در حد پایین بوده است و مقادیر میانه و مد داده‌ها نیز مقادیر نزدیک به میانگین داده‌ها را گزارش نموده‌اند.

در نهایت در حوزه نگهداری نیز، میزان ابهام در قانون مدیریت خدمات کشوری در بازه عددی ۱ الی ۵ مقدار بالاتر از متوسط را گزارش شده است (۴/۴۸). اما برخلاف حوزه آموزش و بهسازی در عنصر تضاد مقدار میانگین داده‌ها پایین‌تر از متوسط می‌باشد (۱/۵۰). در این بخش نیز بررسی انحراف از معیار داده‌ها با توجه به مقادیر کمیته و بیشینه داده‌ها نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها در حد پایین بود و مقادیر میانه و مد داده‌ها نیز مقادیر نزدیک به میانگین داده‌ها را گزارش نمود.

در تحلیل استنباطی داده‌ها به بررسی این مهم پرداخته می‌شود که آیا شاخص مورد نظر از مقدار میانگین بالاتر از متوسط برخوردار بوده است و یا خیر. لازم به ذکر است آزمون‌های نرمالیت در هر یک از

همانطور که مشاهده می‌شود در هر یک از متغیرها ضریب آلفای کرونیباخ (با میزان بالاتر از ۰/۷) مورد تایید قرار گرفت.

پرسشنامه شماره ۲، به همراه مصاحبه‌های متعدد به منظور عینی‌تر کردن قوانین فازی مورد استفاده در مدلسازی مدل حاکمیتی اجرا مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه بر اساس ۹ قانون (rule) ایجاد شده در فازی شکل گرفته که به همراه مصاحبه‌هایی که همزمان با خبرگان صورت گرفته مدل پژوهش را در بخش دوم شکل می‌دهد.

در این بخش به تحلیل توصیفی داده‌ها بر اساس شاخص‌های مرکزی و پراکندگی داده‌ها پرداخته شده است. که به تفکیک هر یک از سه منظر خط‌مشی مورد بررسی قرار گرفته است.

در این بخش با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۴ می‌توان بیان داشت که در حوزه جذب و استخدام، میزان ابهام در قانون مدیریت خدمات کشوری در بازه عددی ۱ تا ۵ (با عنایت به طیف ۵ درجه‌ای لیکرت) مقدار پایین تراز متوسط را گزارش نموده است (۱/۸۱). اما در بخش تضاد مقدار میانگین داده‌ها بالاتر از مقدار متوسط (مقدار متوسط در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت ۳ در نظر گرفته می‌شود) گزارش شده است (۳/۶۸). در حوزه آموزش و بهسازی، میزان

جدول (۶): نتایج تحلیل توصیفی

ابهام حوزه جذب	تضاد حوزه جذب	ابهام حوزه آموزش	تضاد حوزه آموزش	ابهام حوزه نگهداری	تضاد حوزه نگهداری	N
Valid	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	
۸۱۸۰۰۰/۱	۶۸۹۳۳۳/۳	۵۷۰۶۶۷/۴	۲۹۹۳۳۳/۴	۴۸۲۶۶۷/۴	۵۰۱۳۳۳/۱	Mean
۸۲۰۰۰۰/۱	۱۷۰۰۰۰/۴	۶۴۰۰۰/۴	۲۳۰۰/۴	۶۸۵۰۰/۴	۵۸۵۰۰۰/۱	Median
۵۵۰۰/۱	۶۷۰۰/۴	۰۰۰/۵	۰۰۰/۵	۷۳۰۰/۴	۶۷۰۰/۱	Mode
۳۳۱۹۴۷۲/۰	۰۷۷۶۷۹/۱	۰/۴۴۶۳۳۳۲	۶۸۰۵۴۲۰/۰	۴۱۰۵۵۸۴/۰	۳۶۳۵۸۱۲۳/۰	Std. Deviation
۱۱۰/۰	۶۱/۱	۱۹۹/۰	۴۶۳/۰	۱۶۹/۰	۱۳۲/۰	Variance
۳۶۰۰/۱	۵۰۰۰/۱	۰۰۰۰/۳	۸۳۰۰/۲	۶۴۰۰/۳	۰۰۰۰/۱	Minimum
۳۶۰۰/۲	۰۰۰۰/۵	۰۰۰۰/۵	۰۰۰۰/۵	۰۰۰۰/۵	۵۰۰۰/۲	Maximum

از ۳ و یا کوچکتر از ۳ بوده است می‌توان به علامت مثبت و منفی آماره t توجه نمود. به طور نمونه در حوزه ابهام در جذب میانگین داده‌ها برابر با ۱/۸۱ گزارش شده است و بر همین اساس علامت در آماره t به صورت منفی گزارش شده است که بر اساس مقدار معیار مورد نظر یعنی (Test Value=3) پایین‌تر بودن میانگین این عنصر را مقدار عددی ۳ نشان می‌دهد. می‌توان نتایج را به صورت نمودار ذیل نشان داد.

در ادامه به مدل سازی در پژوهش حاضر بر اساس منطق فازی و با بهره گیری از نرم افزار MATLAB پرداخته شده است.

با توجه به مبانی نظری، چگونگی اجرای سیاست‌ها و یا خط و مشی‌ها بر اساس وضعیت دو عنصر ابهام و تضاد مورد بررسی قرار گرفته شده است. به طور نمونه می‌توان به مدل مثلند ۱۹۹۵ اشاره داشت از سویی دیگر اتخاذ سیاست مناسب برای تعیین نوع حاکمیت نیز مانند مدلی که توسط هیل و هوپ ارائه شده، مورد بررسی قرار گرفته شد، اما تقابل میان این دو به ویژه تعیین نوع حاکمیت مناسب که بر گرفته از دو عنصر تضاد و ابهام می‌باشد، مغفول واقع شده و بر همین اساس در پژوهش حاضر به دریافت نظرات خبرگان در خصوص تعیین تاثیر دو عنصر مذکور در انتخاب مناسب‌ترین نوع حاکمیت پرداخته شد.

بخش‌ها نرمال بودن داده‌ها را تایید می‌کند، در تمامی متغیرهای مورد بررسی مقدار سطح معناداری آزمون از مقدار معیار یعنی ۰/۰۵ بزرگتر می‌باشد ($p > 0/05$) این مهم نرمال بودن توزیع داده‌ها را تایید می‌کند. بر همین اساس دو فرض صفر و مخالف بر اساس قواعد آمار به شرح ذیل تعیین می‌گردد.

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \mu = 3 \\ H_1: \mu \neq 3 \end{array} \right.$$

این فرضیه را به شکل زیر در قالب فرضیه آماری تعریف نموده ایم:

H0: مقدار میانگین عناصر ابهام و تضاد برابر با ۳ می‌باشد

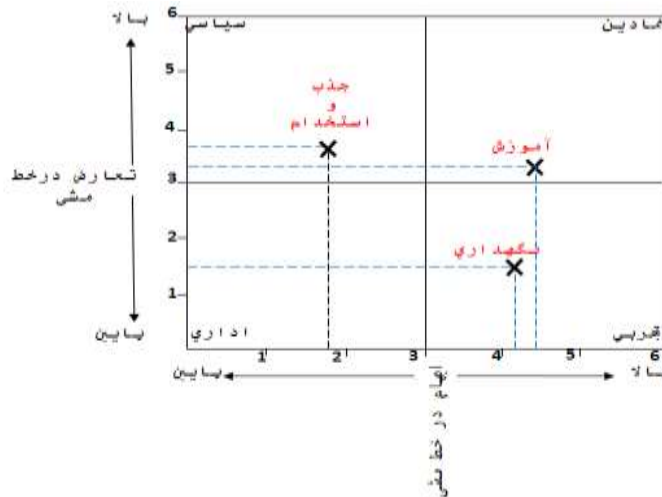
H1: مقدار میانگین عناصر ابهام و تضاد مخالف با ۳ می‌باشد

با توجه به نتایج درج گردیده شده در جدول شماره ۵ می‌توان بیان داشت که در تمامی موارد مورد نظر مقادیر دو عنصر اصلی در پژوهش حاضر یعنی ابهام و تضاد دارای مقادیر سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشند و این مهم نشان دهنده رد فرض صفر مبنی بر مساوی بودن مقادیر بدست آمده با مقدار عددی ۳ می‌باشد ($P < 0/05$).

اما به منظور تعیین این که اختلاف مورد نظر که به صورت آماری معنادار نیز گزارش شده است بزرگتر

جدول (۷): آزمون تی یک نمونه‌ای در هر یک از عناصر به تفکیک حوزه‌های خط‌مشی

Test Value = 3						
95% Confidence Interval of the Difference	Mean Difference	Sig (2-tailed)	df	t		
Upper	Lower					
۰۵۸۰۴۹/۱	۳۰۵۹۵۱/۱	۱۸۲۰۰۰/۱	۰۰۰/۰	۲۹	۵۰۳/۱۹	ابهام حوزه جذب
۰۹۱۷۴۵/۱	۲۸۶۹۲۱/۰	۶۸۹۳۳۳/۰	۰۰۲/۰	۲۹	۵۰۳/۳	تضاد حوزه جذب
۷۳۷۳۳۰/۱	۴۰۴۰۰۳/۱	۵۷۰۶۶۶۳/۱	۰۰۰/۰	۲۹	۲۷۵/۱۹	ابهام حوزه آموزش
۵۵۳۴۵۲/۱	۰۴۵۲۱۵/۱	۲۹۹۹۳۳/۱	۰۰۰/۰	۲۹	۴۵۷/۱۰	تضاد حوزه آموزش
۶۳۵۹۷۲/۱	۳۲۹۳۶۲/۰	۴۶۲۶۶۷/۱	۰۰۰/۰	۲۹	۷۸۰/۱۹	ابهام حوزه نگهداری
۳۶۲۹۰۳/۱	۶۳۴۴۳۰/۱	۰/۴۹۸۶۶۶۷	۰۰۰/۰	۲۹	۵۷۷/۲۲	تضاد حوزه نگهداری

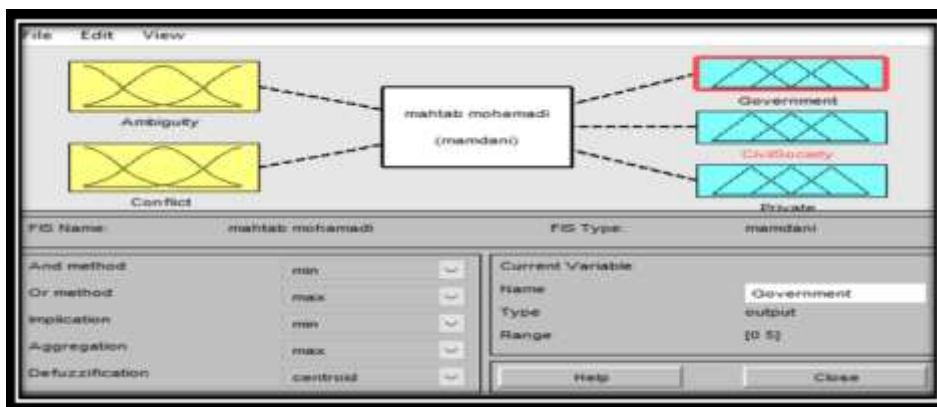


شکل (۸): مقایسه میانگین داده‌ها به تفکیک حوزه‌های مورد بررسی

مجموعه فازی، باید غیر فازی گردد. که در پژوهش حاضر این عدد همان مقدار عددی است که در بازه عددی ۱ الی ۵ بر اساس توابع عضویت تعیین شده، به معرفی مناسب‌ترین شیوه در حاکمیت ختم می‌گردد. این مسئله شامل ۲ ورودی، ۳ خروجی و همراه با ۹ قاعده می‌باشد.

فرایند استنتاج فازی از ۵ بخش تشکیل می‌شود؛ فازی سازی متغیرهای ورودی، اعمال عملگرهای منطقی (OR یا AND) در قسمت فرض، دلالت فرض بر نتیجه، تجمیع نتایج و در نهایت غیرفازی کردن خروجی. بر این اساس به طور کلی مدل مفهومی پژوهش حاضر به صورت ذیل تدوین گردیده شد:

استنتاج فازی فرایندی است که طی آن نداشت از ورودی‌ها به خروجی‌ها با استفاده از منطق فازی ضابطه مند می‌گردد. با توجه به نداشت انجام شده یک تصمیم اتخاذ شده، و یا یک الگو تشخیص داده می‌شود. فرایند استنتاج فازی شامل همه ی بخش‌های شرح داده شده در فصل قبل می‌شود. این بخش‌ها شامل: توابع عضویت، عملکردهای فازی، قواعد if-then می‌شوند. در این جعبه ی ابزار قابلیت پیاده سازی دو نوع سیستم استنتاج فازی را در اختیار خواهید داشت. در پژوهش حاضر بر اساس دو عنصر ابهام و تضاد به تعیین مناسب‌ترین نوع حاکمیت پرداخته شد که در آن از روش استنتاج فازی ممدانی، استفاده شد. در استنتاج ممدانی توابع عضویت خروجی



شکل (۹): سیستم استنتاج فازی FIS (از نوع مرکز جرم)

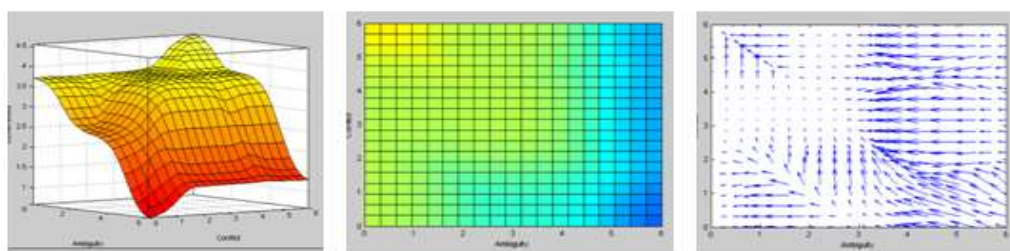
می‌دهد. در شکل زیر نمودار استنتاج فازی بر اساس دو عنصر ابهام و تضاد، حاکمیت را به شکل قدرت و نفوذ ایدئولوژیک نمایش داده شده است.

همانطور که دیده می‌شود، زمانی حاکمیت به شکل قدرت و نفوذ در بیشینه مقدار خود قرار می‌گیرد که تضاد در بالاترین حد خود و ابهام کمی دیده شود. در واقع با توجه به مدل مفهومی شکل حاکمیتی قدرت و نفوذ در قسمت بالای سمت چپ ماتریس متولد قرار می‌گیرد و تا حدودی با قسمت سمت راست بالای مدل نیز همپوشانی خواهد داشت. یعنی در واقع خط‌مشی در حوزه جذب و استخدام با نفوذ و اقتدار کامل دولت باید انجام پذیرد.

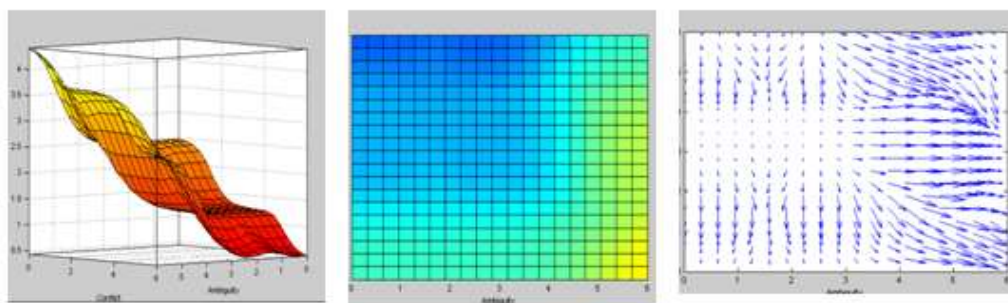
همان طور که در شکل ۴ مشاهده می‌گردد در پژوهش حاضر از روش مرکز جرم (دی فازی سازی) استفاده شده است و همچنین عملگرهای مربوطه نیز در مقابل هر یک از روش‌های and, or نمایش داده شده است. حاصل این جعبه نمودارهای استنتاج فازی است که در نتایج محاسبات را به شکل کلی و شماتیک به ما نشان می‌دهد.

نمودارهای ترکیبی استنتاج فازی در هریک از بخش‌های جذب، نگهداری و آموزش

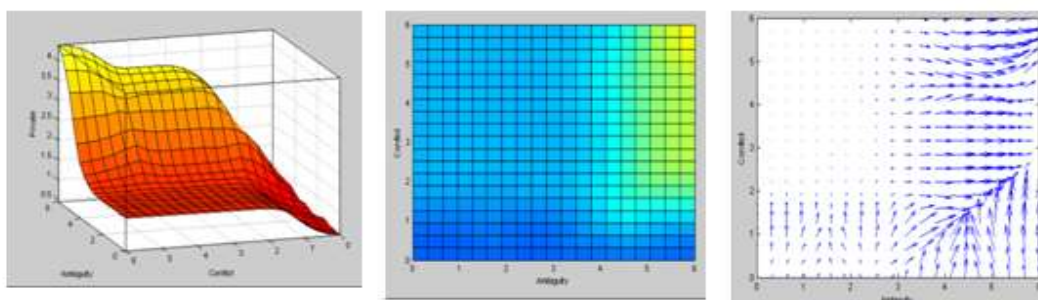
نمودار استنتاج فازی ترکیبی از نمودارهای ارائه شده در این بخش می‌باشد. این نمودار به صورت هم‌زمان همه بخش‌های یک فرایند استنتاج فازی را نشان



شکل (۱۶): نمودار استنتاج فازی بر اساس دو عنصر ابهام و تضاد در حاکمیت قدرت و نفوذ ایدئولوژیک

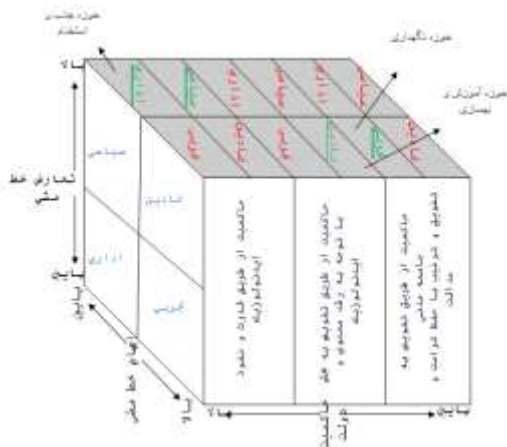


شکل (۱۷): نمودار استنتاج فازی بر اساس دو عنصر ابهام و تضاد در حاکمیت از طریق تفویض به جامعه مدنی



شکل (۱۸): نمودار استنتاج فازی بر اساس دو عنصر ابهام و تضاد در حاکمیت از طریق بخش خصوصی

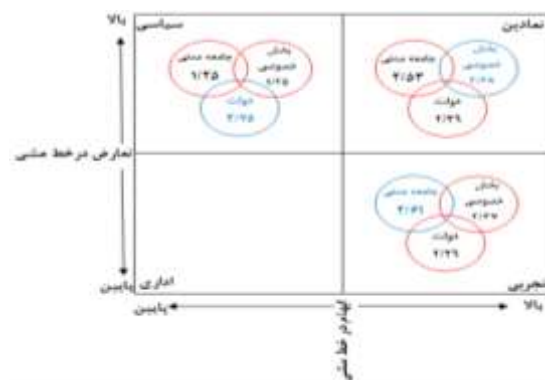
و میتوان شکل اجرای صحیح آن را از طریق ماتریس مشخص کرد. به عنوان مثال میزان ابهام در حوزه نگهداری بسیار بالاست اما میزان تضاد در آن کمتر از میانگین می‌باشد، در نتیجه محل قرار گیری حوزه نگهداری در ماتریس متلند راست و پایین می‌باشد که متلند بهترین شکل اجرا را برای آن اجرای تجربی می‌داند.



زمانی حاکمیت از طریق تفویض به جامعه مدنی اثر گذار است که میزان ابهام بالا و تضاد خط‌مشی نسبتاً پایین باشد، که این وضعیت در قسمت راست و پایین مدل متلند دیده می‌شود. در حقیقت برای اجرای صحیح خط‌مشی‌های نگهداری نیازمند تفویض حاکمیت دولتی به جامعه مدنی هستیم.

نمودار استنتاج فازی بر اساس دو عنصر ابهام و تضاد در حاکمیت به شکل تفویض به بخش خصوصی را نمایش داده شده است. همانطور که در شکل دیده می‌شود، زمانی حاکمیت از طریق تفویض به بخش خصوصی خواهد بود که میزان ابهام و تضاد هر دو بالا باشد، در این شرایط در قسمت بالا و راست ماتریس متلند قرار خواهیم گرفت. به این معنی که نظام آموزش و بهسازی بهتر است از طریق تفویض به بخش خصوصی صورت پذیرد.

در نتیجه به صورت کلی به مدل زیر دست خواهیم یافت:



نمودار فوق که میانگین داده‌ها را در هر یک از حوزه‌های جذب و استخدام، آموزش و بهسازی و نگهداری را به تفکیک نشان می‌دهد، در حقیقت حاصل نظرسنجی از مدیران نهاد ریاست جمهوری می‌باشد که در حوزه منابع انسانی به فعالیت مشغول هستند. در واقع حاصل پاسخ‌های آنها به پرسشنامه شماره ۱ می‌باشد، که نشان می‌دهد، خط‌مشی مدیریت خدمات کشوری در هر یک از این سه حوزه به چه میزان دارای ابهام و تضاد می‌باشد. در واقع محل جایگذاری هر یک از این حوزه‌ها در ماتریس متلند مشخص می‌شود

در بخش دوم هدف مدلسازی شکل حاکمیتی دولت در اجرای خط‌مشی قانون خدمات کشوری در سه حوزه جذب و استخدام، نگهداری و آموزش و بهسازی می‌باشد. برای رسیدن به این مهم از پاسخ و نظر ۵ تن از خبرگان در حوزه مدیریت دولتی بهره جسته ایم (از طریق پرسشنامه شماره ۲). نظرات خبرگان با رعایت اصول مدلسازی فازی در نرم افزار وارد گردیده و نهایتاً نتایج زیر به عنوان خروجی نرم افزار بدست آمده، که شکل حاکمیت دولت را در اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری مشخص می‌سازد:

با توجه به نتایج بخش اول، در حوزه نگهداری، ابهام خط‌مشی بالا و تضاد آن پایین می‌باشد، با توجه به مدلسازی صورت گرفته در این شرایط بهترین شکل حاکمیت دولت تفویض حاکمیت به جامعه مدنی و تشویق و ترغیب با حفظ کرامت و عدالت انسانی می‌باشد.

در حوزه آموزش و بهسازی، ابهام و تضاد خط‌مشی بالا می‌باشد، با توجه به مدلسازی صورت

حاکمیتی خود را حفظ نماید. در این راستا بهتر است دولت بر حفظ کرامت و عدالت افراد تاکید نماید، تا مسیر اجرای صحیح و عادلانه پیموده شود.

در حوزه آموزش و بهسازی پیشنهاد می‌گردد، دولت برای افزایش بازده بیشتر و دستیابی به نوآوری و بهره‌وری بیشتر حاکمیت خود را از طریق بخش خصوصی تحقق بخشد. بدین معنا دولت با تاکید بر مسائل ایدئولوژیک اجرای قوانین مطروحه را، از طریق بخش خصوصی تحقق بخشد. زیرا این بخش در راستای افزایش سود و منافع خود بازدهی بیشتری برای سازمان به ارمغان خواهد آورد. یکی از مهمترین روشهای رشد در سازمان یادگیرنده بودن آن و آموزش بی‌وقفه اعضای آن است. که می‌توان این مهم را از طریق تفویض آن به بخش خصوصی انجام داد تا بیشترین اثر گذاری را داشته باشد.

محققان در پژوهشهای دیگر می‌توانند شکل حاکمیت را در سطوح مختلف سازمانی و ارتباط آن را بصورت مجزا و منفک نیز مورد مذاقه و بررسی قرار دهند. نکته‌ای که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران آتی قرار گیرد آن است که در مدل هیل و هوپ سه فاکتور اصلی ساختار خط‌مشی، ساختار سازمان، محیط خرد وجود دارد که هر کدام از این فاکتورها در شکل حاکمیتی ایده آل تاثیر گذارند. می‌توان در تحقیقات آتی هریک از این فاکتورها را به شکل تفکیک شده و مجزا در محیط اجرا بررسی نمود، اثر هر کدام در بستر اجرا سنجیده شود.

همچنین در صورتی که پژوهشگران آتی بتوانند طرحهایی در زمینه مزایای تفویض وظایف حاکمیتی دولت به بخش خصوصی و جامعه مدنی صورت بخشند، میتواند بسیاری از مسائل امروز اجرا را در سازمان‌ها بهبود بخشد.

گرفته در این شرایط بهترین شکل حاکمیت دولت تفویض حاکمیت به بخش خصوصی می‌باشد.

و در نهایت در حوزه جذب و استخدام و تعدیل نیرو، تضاد خط‌مشی بالا و ابهام آن پایین می‌باشد، با توجه به مدلسازی صورت گرفته در این شرایط بهترین شکل حاکمیت دولت از طریق اعمال نفوذ و قدرت می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف در این کار تحقیقی، مدلسازی شکل حاکمیتی دولت در اجرای خط‌مشی قانون خدمات کشوری در سه حوزه جذب و استخدام، نگهداری و آموزش و بهسازی می‌باشد. برای رسیدن به این مهم از پاسخ و نظر ۵ تن از خبرگان در حوزه مدیریت دولتی استفاده نمودیم. در نتیجه تحلیل نظرات خبرگان و اعمال روشهای کمی شکل حاکمیت دولت در اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری به صورت زیر می‌باشد:

در نظام جذب و استخدام به علت نوع اجرای سیاسی و اداری که وجود دارد، و قوانین به شکل منطقی و به صورت بالا و پائین اجرا می‌گردد بهتر است دولت نیز با این روال همراستا شود و از قدرت و نفوذ خود برای بهینه‌تر شدن و قانونمند شدن این حوزه بهره‌بردار.

در واقع از طریق قدرت و نفوذ دولت، که ابعاد ایدئولوژیک نیز دارد، می‌تواند نظام استخدام، جذب و تعدیل را منصفانه‌تر و شایسته‌سالارانه‌تر مدیریت کند. در حوزه نگهداری، در صورتی که دولت بخواهد نفوذ مستقیم در این فرایند داشته باشد، در حقیقت تفاوت‌های سازمانی و بسترهای اجتماعی سازمان‌ها را نادیده گرفته و اجازه اجرای منعطف را از سازمان‌های دولتی می‌گیرد. لازم است دولت در این زمینه به ائتلافات سازمانی و گروههای شکل گرفته سازمانی ذی نفوذ اعتماد کرده و تنها از طریق ترغیب آنها، شکل

منابع

- آرایی، وحید، (۱۳۸۸)، حکمرانی خوب به مثابه آرمان نظارت و ارزیابی، گزارش پژوهشی مرکز پژوهش و برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور، سال دوم، شماره ششم، صفحه ۱۵
- آقازاده، محمدرضا، عسگری، طیبه، شاهی، عادل، فرهمند، آمنه، (۱۳۹۴)، طراحی مدل فرایندی تدوین استراتژی سازمان‌های حاکمیتی بر مبنای پارادایم حکمرانی شبکه ای، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، سال چهارم، شماره ۱۳
- الوانی، سید مهدی، شریف زاده، فتاح، (۱۳۷۷)، فرایند خط‌مشی گذاری عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۹، انتشارات مروارید، چاپ اول، ص ۴۷
- جاسبی، جواد، نفری، ندا، (۱۳۸۸)، طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۸۵-۱۱۷
- دانیافر، حسن، ثقفی، عمادالدین، مشکی اصفهانی، اصغر، (۱۳۸۹)، اجرای خط‌مشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط‌مشی، دوره ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۶۹)، صفحه ۷۹ تا ۱۰۶
- زارعی، محمدحسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، (۱۳۸۵)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، ص ۲۴-۴۵
- سیدجوادی، سیدرضا، شهبازمرادی، سعید، حسینی پور، طهمورث، داوری، علی، (۱۳۸۹)، مجله مدیریت فناوری اطلاعات، شماره ۵، علمی پژوهشی، صفحه ۳۵ تا ۵۲
- علیزاده، محسن، عرب، محبوبه، (۱۳۸۷)، تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی، ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت
- قلی پور، رحمت‌الله و شریف زاده، فتاح، (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، ص ۱۰۹
- قلی پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۵)، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری، مجله فرهنگ مدیریت، شماره ۱۰، ص ۱۰۳-۱۲۸
- قلی پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۴)، حکمرانی خوب و امکان سنجی آن در ایران، مجموعه سخنرانی‌ها؛ موسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه ریزی و توسعه
- هداوند، مهدی، (۱۳۸۴)، حکمرانی خوب چیست؟، مجله اقتصادی سیاسی شماره ۱۵۲، ص ۴۲
- هیوز، آون، (۱۳۸۱)، مدیریت دولتی نوین، ترجمه دکتر سید مهدی الوانی، دکتر غلامرضا معمارزاده طهران و دکتر سهراب خلیلی شورینی، تهران
- Hill, M. (1997) "Implementation theory: Yesterday's issue? Policy and Politics, 25 (4): 375-85.
- Hill, Michael, Hupe, Peter, (2002), Implementing public policy: In theory and practice, SAGE Publications, London □□Thousand Oaks □□New Delhi
- Lindblom, C.E. (1977) Politics and Markets: The World's Political-Economic Systems. New York: Basic Books.
- Lipsky, M. (1980) Street-Level Bureaucracy: Dilemmas of the Individual in Public Services. New York: Russell Sage Foundation
- Matland, R. (1995) 'Synthesising the implementation literature: the ambiguity-conflict model of policy implementation', Journal of Public Administration Research and Theory 5 (2): 145-174
- O'Toole, L. (1995), 'Rational choice and policy implementation: implications for inter-organizational network management, American Review of Public Administration 25: 43-57.
- O'Toole, L. (2000), 'Research on policy implementation: assessment and prospects', Journal of Public Administration Research and Theory 10: 263-288.
- Mazmanian, D. and Sabatier, P. (1983), Implementation and Public Policy, Glenview: Scott, Foresman
- Sabatier, P. (1988), 'An advocacy coalition framework of policy change and the role of policy learning therein', Policy Sciences 21: 128-168

Saetren,Harald, (2005),Facts and myths about research on public policy , implementation policy studies journal,VOL33,Issue4,page 559-582

Schofield,jill,Sausman,charlotte, (2004),Symposium on implanting public policy: learning from theory and practice, VOL 82,Issue 2,pages235,248

Van Meter, D. and Van Horn, C. (1975), The policy implementation process: a conceptual framework, Administration and Society 6: 445-48.

یادداشت‌ها

¹ *Implementation*

² *Human Resource Policies*

³ *Governance*

⁴ *Partnership*

⁵ *Participation*

⁶ *Capacity generation*

⁷ *The role of Law*